

تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری

مهدی بیکی شورکی^۱

عباس کریمی^۲

چکیده

کسی که رفتارش موجب ورود خسارت به دیگری می‌شود، ممکن است انگیزه‌ای نداشته باشد نظیر اکثر تصادفات، یا انگیزه‌اش نامشروع باشد مانند غاصب، یا انگیزه وی مشروع باشد. مهم‌ترین موضوعاتی که ذیل انگیزه مشروع مطرح می‌شود انگیزه احسان، اجرای حق خود و دفاع مشروع می‌باشد. هدف این مقاله بررسی تأثیر انگیزه مشروع در ضمان قهری و محدودیت‌های استناد به آن در رفع ضمان قهری، با روش توصیفی-تحلیلی است. در فقه امامیه و حقوق ایران اصل بر مسئولیت بدون تقصیر است و انگیزه در ضمان نقشی ندارد؛ با این حال انگیزه مشروع یکی از مسقطات ضمان قهری است. البته صرف انگیزه احسان و صرف دفع ضرر یا جلب منفعت دیگری، برای رفع ضمان کافی نیست؛ بلکه عمل نیز باید مطابق واقع باشد. محدودیت‌های انگیزه مشروع شامل رعایت قانون، موازین فنی، اصول ایمنی و حدود متعارف می‌باشد. با تردید در ضمان قهری و سقوط آن به سبب انگیزه مشروع، ضمان قهری اعمال می‌شود.

واژگان کلیدی: انگیزه‌ی مشروع، ضمان قهری، خسارت، احسان، دفاع مشروع

^۱ - دکترای تخصصی حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه، گروه حقوق مرکز آموزش علمی کاربردی جوادالائمه (ع)، یزد، ایران

Mahdi_beiki@yahoo.com

^۲ - استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران و ریاست انجمن علمی آیین دادرسی مدنی ایران (نویسنده مسئول).

abkarimi@ut.ac.ir

مقدمه

انگیزه به معنای سبب، باعث، علت و آن چیزی که کسی را به کاری برانگیخته است (عمید، ۱۳۹۱: ۱۹۹). در اصطلاح حقوقی نیز عباراتی چون غرض به عنوان فکری که قبل از اقدام به انجام کاری در خاطر انسان آمده و فکر رسیدن به آن محرک انسان برای آن کار باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۴۸۹) و همچنین جهت، که هدف شخصی هر کس در عمل حقوقی می باشد و با توجه به اشخاص مختلف و اوضاع مختلف متفاوت است (همان: ۲۰۲). این موضوعات بیشتر در مورد اعمال حقوقی مطرح می شود که حکم آن در ماده ۲۱۷ قانون مدنی آمده که نیازی به تصریح جهت معامله نیست ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و در فرض نامشروع بودن، معامله باطل است. همچنین در موضوعات کیفری نیز انگیزه مهم است. اما می توان انگیزه را در مورد برخی از مصادیق تحقق ضمان قهری نیز مطرح نمود که شخص با انگیزه ای اقدام می نماید و خسارت وارد می شود. در تفکیک انگیزه و قصد مرتکب در تحقق رفتار زیان بار باید هر مورد را دقیق بررسی نمود. برای مثال ممکن است انگیزه تخریب درب خانه همسایه نجات جان او باشد، در حالی که قصد تخریب، داشتن طرح یا نقشه برای چگونگی انجام این کار است. بنابراین، این دو اصطلاح با یکدیگر متفاوتند و این سوال که چرا درب خانه همسایه را تخریب کرد ارتباطی با این سوال ندارد که آیا او قصد تخریب داشت یا نه. در مورد انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت، برخی پژوهش ها انجام شده نظیر پژوهشی با عنوان "بررسی انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری" که هر چند انگیزه جزء ارکان مسئولیت کیفری محسوب نمی شود، اما می تواند در نوع و میزان مجازات مرتکب تأثیر گذار باشد (زارعت، ۱۳۸۳: ۲۳). همچنین نقش قاعده احسان در معافیت از جبران خسارت نیز در فرضی که محسن دارای حسن نیت بوده و زیان وارده بیش از زیان اول نباشد، عمل او فاقد مسئولیت دانسته شده و دلیل آن نیز چنین مطرح شده که اگر با نیکوکار همانند زیانکار رفتار شود باعث می شود که اشخاص از احسان به دیگران خودداری کنند (نصوری، ۱۳۹۷: ۶۷). در پژوهشی ارتباط بین قاعده ای احسان با اسباب اصلی ضمان بررسی شده که در این مورد نیز در فرض تحقق شرایط قاعده احسان آن را موجب سقوط ضمان و براءت

ذمه‌ی مرتکب دانسته‌اند (لطفی، ۱۳۹۸: ۲). در پژوهشی دیگر در مورد نقش مسئولیت مدنی در قاعده احسان بحث شده که به بررسی شمول دفع ضرر و جلب منفعت در مورد قاعده احسان پرداخته شده است (محمدی، ۱۴۰۰: ۷۰۲). حال در این پژوهش نویسنده تلاش دارد تا ارتباط انگیزه در تحقق ضمان قهری و محدوده‌ی تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری را مورد بررسی قرار دهد که نگاه جدیدی است. با این توضیح که ابتدا باید علاوه بر اینکه انگیزه مشروع را در نظر می‌گیریم، فرض‌های مختلف وجود انگیزه در تحقق ضمان قهری را بررسی نماییم و سپس به این موضوع بپردازیم که آیا صرف انگیزه‌ی مشروع در رفع ضمان قهری کفایت می‌کند یا خیر؟ برای پاسخ باید انگیزه مشروع را با در نظر گرفتن ارکان مسئولیت مدنی بررسی کرد. سوال دیگر اینکه در صورت عدم کفایت انگیزه‌ی مشروع در رفع ضمان قهری، چه موارد و نکاتی باید رعایت شود تا بتوان به استناد مشروعیت انگیزه، انگیزه‌ی مشروع را رافع مسئولیت مدنی دانست؟ و در نهایت تأثیر مشروعیت انگیزه در ضمان قهری را تحلیل و بررسی نمود. پژوهش حاضر از این باب دارای نوآوری است.

بحث انگیزه بیشتر در حقوق کیفری مطرح شده و در ذیل عنصر معنوی تجزیه و تحلیل می‌شود. در ضمان قهری موافق با اصل، به انگیزه کمتر توجه شده و حتی برای تشخیص تقصیر، متعارف یا نامتعارف بودن رفتار مرتکب مهم است و انگیزه در آن دخالت چندانی داده نمی‌شود. با این حال گاهی انگیزه مرتکب نیز اهمیت دارد. در قوانین کشورمان به مشروعیت انگیزه در ضمان قهری به عنوان قاعده‌ای کلی توجهی نشده و همان‌گونه که توضیح داده شد در دکترین حقوقی کم و بیش از آن سخن به میان آمده است. بنابراین باید دید آیا مشروعیت انگیزه در ضمان قهری تأثیری دارد یا خیر؟ برای پاسخگویی ابتدا باید تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق ضمان قهری، سپس تأثیر مشروعیت انگیزه در رفع ضمان قهری را بررسی نمود.

۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق ضمان قهری

برای تحقیق در این زمینه، ابتدا باید تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق رفتار زیانبار و سپس تأثیر مشروعیت انگیزه در تبیین رابطه سببیت را بررسی کرد.

۱-۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تحقق رفتار زیانبار

در راستای تحلیل همه جانبه و کامل از موضوع، باید حالت‌های مختلف و قابل تصور آن را بررسی نمود. در این فرض گاهی مرتکب هیچ انگیزه‌ای نداشته یا اینکه انگیزه‌ی او، هیچ تأثیری در وقوع رفتار زیانبار نداشته است (۱-۱-۱) اما در مقابل گاهی شخص با داشتن انگیزه‌ای، مرتکب رفتار زیانبار می‌شود (۱-۱-۲).

۱-۱-۱. فقدان انگیزه و عدم تأثیر آن در تحقق رفتار زیانبار

در خیلی از موارد نظیر حوادث رانندگی، شخص هیچگونه قصد و انگیزه‌ای برای ایراد خسارت به دیگری ندارد. همچنین به عنوان قاعده کلی برای تحقق ضمان قهری وجود قصد و انگیزه ضرورتی ندارد. در بحث ضمان قهری به طور کلی کسی که رفتارش موجب ایراد خسارت به دیگری شده ضامن است و تفاوتی در آگاهانه بودن رفتار مرتکب یا سهوی بودن و مکلف یا غیرمکلف بودن نیز وجود ندارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۲۱/۴۳). به هر حال شخصی که به دیگری ضرری وارد کرده بدون اینکه قصد و انگیزه‌ای داشته باشد ضامن است. ماده ۳۲۸ ق.م.بر همین مبنا تلف مال را اعم از اینکه عمدی باشد یا غیرعمدی موجب ضمان دانسته و در تسبیب نیز ماده ۳۳۱ همان قانون، مسبب تلف مال را ضامن شمرده است. در قانون مجازات اسلامی نیز در بحث موجبات ضمان، اصل بر مسئولیت بدون تفصیل گذاشته و رابطه سببیت را ملاک قرار داده، بنابراین اگر شخص هیچ قصد و انگیزه‌ای نداشته باشد اما بر اثر رفتارش آسیبی به کسی وارد شود ضامن است. برای مثال مستنبط از ماده ۵۰۲ ق.م.ا اگر کسی خود را از بلندی پرت کند و باعث ایراد آسیب به دیگری شود ضامن است، حتی اگر قصد و انگیزه او خودکشی و رهایی از مشکلات دنیوی باشد.

۱-۱-۲. وجود انگیزه و تأثیر آن در تحقق رفتار زیانبار

همان گونه که توضیح داده شد گاهی انگیزه‌ی شخص، زمینه‌ی ارتکاب رفتار زیانبار می‌باشد. در این حالت نیز باید با دقت بین دو فرض تفکیک دقیقی قائل شد. یکی اینکه انگیزه شخص نامشروع بوده (۱-۲-۱-۱) و دیگر اینکه شخص با انگیزه‌ی مشروع (۱-۲-۱-۲) اقدام به رفتار زیانباری نموده است.

۱-۲-۱-۱. تأثیر انگیزه‌ی نامشروع در تحقق رفتار زیانبار

گاهی اشخاص از روی قصد و با انگیزه نامشروع نظیر اقدام غاصب، به دیگری خسارت وارد می‌کنند. از لحاظ حقوقی کسی که انگیزه نامشروع نداشته باشد مشمول ضمان قهری می‌شود، در این مورد به طریق اولی کسی که انگیزه‌اش نامشروع بوده نیز مشمول ضمان قهری خواهد بود. انگیزه نامشروع غاصب به صراحت در ضمان موثر دانسته شده، زیرا در غصب، عدوانی و نامشروع بودن، موجب تحقق ضمان است. وقتی کسی مالی را غصب کرد و مال تلف شد نه تنها نیازی به اثبات تقصیر غاصب نیست، حتی اگر غاصب ثابت کند که تلف مال به دلیل حوادث قهری بوده نیز موجب رفع ضمان از وی نمی‌شود.

در روایت سمره به نظر می‌رسد وقتی پیامبر اکرم (ص) مشخص کردند که انگیزه سمره نامشروع است دستور کردن درخت او را دادند. زیرا اگر اولین درخواست پیامبر اکرم (ص) را می‌پذیرفت، یعنی حاضر بود با خبر دادن وارد ملک مرد انصاری شود ضرر متفی بود؛ ولی حضرت هر پیشنهادی دادند مخالفت کرد. پیشنهاداتی که هر انسان عاقل و با اخلاقی آنها را از زبان پیامبر (ص) می‌شنید، حتماً می‌پذیرفت. بنابراین یکی از معیارهای حضرت توجه به انگیزه نامشروع سمره بوده، هر چند معیار اصلی قاعده لا ضرر، ضرر غیر متعارف باشد. در تقصیر عمدی انگیزه نقش مهمی دارد و دادرس با بررسی اوضاع و احوال انگیزه فاعل را می‌یابد. همچنین بیمه مسئولیت تقصیر عمدی، باطل است (امامی، ۱۳۹۰: ۷۰۵)؛ زیرا قراردادی خلاف نظم عمومی است. بنابراین خسارت ناشی از انگیزه نامشروع تحت شمول ضمان قهری قرار گرفته و مسئولیت به دنبال خواهد داشت.

۱-۲-۲. تأثیر انگیزه مشروع در تحقق رفتار زیانبار

گاهی شخص با انگیزه مشروع اقدام می‌کند، ولی در نتیجه رفتار او به دیگری خسارت وارد می‌شود. برای مثال هرگاه شخصی با انگیزه‌ی اینکه کوچه را آسفالت کند، ابتدا در کوچه گودبرداری نماید و در نتیجه‌ی آن به یکی از همسایگان خسارتی وارد شود، خسارت به دیگری وارد شده، ولی انگیزه‌ی شخص مشروع بوده است. البته بررسی اینکه آیا انگیزه مشروع وی رافع مسئولیت است یا خیر، در ادامه (بند ۲ این پژوهش) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در زمینه‌های دیگری نیز انگیزه مشروع وجود دارد؛ یکی از آن موارد، انگیزه محسن است که با انگیزه احسان اقدام می‌کند، اما از روی اتفاق به دیگری خسارت وارد می‌شود در این مورد انگیزه وی مشروع است. البته در این فرض انگیزه مشروع وی تحت عنوانی کلی مطرح است و در خصوص رفع ضمان محسن باید آن را مشمول قاعده احسان دانست که ممکن است با رعایت شرایطی، ضامن جبران خسارت نباشد.

همچنین یکی از مصادیقی که در حقوق تحت عنوان اضرار مباح یا شرایط توجیه کننده نام برده می‌شود دفاع مشروع می‌باشد که حق اشخاص است در مقابل مهاجم دفاع کنند، نه تنها حق بلکه تکلیف است حتی اگر دفاع او منجر به ایراد خسارت یا مرگ مهاجم شود (خمینی، بی تا: ۴۸۷/۱). بنابراین ممکن است شخص با انگیزه مشروع برای حفظ جان، مال و ناموس خود یا دیگران اقدام به دفاع کند و به متجاوز خسارت وارد شود.

۲-۱. تأثیر مشروعیت انگیزه در تبیین رابطه سببیت

برای تحقق ضمان قهری سه رکن وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت ضروری است. فرض بر این است که ضرر با همه شرایط آن محقق شده است. اما یکی از معیارهای فعل زیانبار نامشروع بودن آن می‌باشد و ضرری که در نتیجه فعل نامشروع وارد شده موجب ضمان قهری است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۱۱ و ۳۱۲). در مواردی که ضرر زدن مباح است نظیر دفاع مشروع، آن ضرر ویژگی لازم برای تحقق ضمان قهری را ندارد. البته حتی فعلی که قانون آن را مجاز دانسته و یا هر فعل مباحی اگر حدود متعارف و شرایط قانونی آن رعایت نشود موجب ضمان است (امامی، ۱۳۹۰: ۳۹۹/۱ و ۴۰۰). اگر انگیزه مشروع شخص با واقعیت مطابقت نداشته باشد نیز ضمان قهری جاری است، برای مثال اگر کسی با انگیزه مشروع به تصور مهدورالدم بودن دیگری، او را به قتل برساند، اکثر فقها فقط حکم قصاص را جاری نمی‌دانند و آن را قتل شبه عمد دانسته و دیه را به قوت خود باقی می‌دانند (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۹: ۲۰۸/۴ تا ۲۱۹). بنابراین صرف وجود انگیزه مشروع رابطه سببیت را قطع نمی‌کند و ضمان قهری جاری است.

صاحب جواهر پس از آوردن روایت امام صادق (ع) که می‌فرمایند:

«من اضر بشيء من طريق المسلمين فهو له ضامن»

توضیح داده‌اند که در صورتی تصرف در راه مسلمانان موجب ضمان قهری است که به مصلحت مسلمانان نباشد، پس اگر کسی سنگی را در وسط آب و گل که در مسیر عموم است قرار دهد تا مردم بتوانند از روی آن عبور کنند یا گودالی را پر کند، چون این کارها برای مصلحت مسلمانان انجام شده حتی اگر به کسی هم آسیب برسد اقدام کننده ضامن نیست. در ادامه می‌فرمایند شاید به این دلیل ضامن نیستند که چنین مواردی از موارد ضرر رساندن که روایت گفته نبوده و ایشان در این مورد اصل را بر براءت قرار داده‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۳/۹۸ و ۹۹). هرچند به طور صریح به انگیزه مشروع اقدام کننده که همان انگیزه احسان است اشاره نشده، اما همین که جهت و هدف را برای مصلحت مسلمین قرار داده، می‌توان گفت انگیزه مشروع مدنظر بوده است. همچنین با استدلال اخیر که در صورت تحقق ضرر آن را از مصادیق ضرری که در روایت آمده ندانسته‌اند، استنباط می‌شود که به دلیل نقص رکنی از ارکان ضمان قهری، اقدام کننده را ضامن نمی‌دانند. البته طبق قاعده نباید ضرر جبران نشده بماند مگر استثنائات آن نظیر قاعده اقدام یا تقصیر زیان‌دیده، اما در مواردی که تقصیر ابتدایی نظیر خرابی کوچه که به خاطر آن، محسن برای مصلحت مردم و در حدود قانونی، ایمنی و متعارف اقدام کرده و زیان دیده نیز تقصیر نکرده، باید مسئولینی که تقصیر کرده‌اند را ضامن دانست.

برخی معتقدند اگر کسی امکان احسان به دیگری برایش فراهم باشد و کمک نکند و شخص فوت شود ضامن نیست؛ برای مثال شخصی در حال غرق شدن است و او توانایی کمک کردن دارد اما خودداری نماید، آن را گناه می‌دانند اما موجب ضمان نمی‌دانند، زیرا رابطه سببیت برقرار نشده و مباشرت هم نبوده بنابراین ضامن نیست (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۳/۱۵۳)؛ مگر اینکه به موجب قانون یا قرارداد تکلیفی بر عهده شخص قرار گرفته باشد (امامی، ۱۳۹۰: ۴۰۱/۱ و ۴۰۶). پس اگر کسی به دیگری کمک نکرد و به او خسارت وارد شد رابطه سببیت برقرار نشده و ضامن نیست. مفهوم مخالف این فرض این است که اگر کمک کرد و از روی اتفاق خسارت به طرف مقابل وارد شد رابطه سببیت برقرار است. در نقطه مقابل، یعنی در بحث انگیزه نامشروع رابطه سببیت در تحقق ضمان قهری در مورد غصب و شبه غصب جاری نمی‌شود. زیرا مسئولیت غاصب

نسبت به مال مغضوب مستند به عدوان و استیلا نامشروع او بر مال دیگری است که قبل از تلف تحقق یافته است (طاهری، ۱۴۱۸: ۳۷۹/۲؛ مطهری، بی تا: ۳۸۵/۲۰). مستند به ماده ۳۱۵ ق.م غاصب در هر صورت ضامن تلف یا نقص مال است هر چند مستند به فعل او نباشد. این موضوع مختص حقوق اسلامی است در حالی که در حقوق فرانسه مطابق ماده ۱۲۴۰ قانون تعهدات فرانسه (اصلاحات ۲۰۱۶) هر شخصی که ضرر منتسب به او باشد مکلف به جبران خسارت است؛ بنابراین مسئولیت غاصب نیز تحت عنوان قواعد کلی مسئولیت مدنی قرار گرفته و چنین استثنائی برای آن تعیین نشده است. به هر حال در حقوق ایران در نقطه مقابل غاصب، جایی تصریح نشده که اگر کسی با انگیزه مشروع به دیگری خسارت بزند رابطه سببیت قطع می شود.

اکنون نمونه هایی از تأثیر انگیزه مشروع در تحقق رابطه سببیت یا عدم تحقق آن و آثار این انگیزه مشروع را مورد بررسی قرار می دهیم.

اگر پزشکی با انگیزه احسان به بیمارش بگوید که بیماری اش خطرناک است و بیمار بر اثر اطلاع از بیماری دچار ناراحتی روانی شدید یا دیوانگی شود، آورده اند که این گفته ی پزشک سبب دیوانگی بیمار تلقی نمی شود (نجیب حسنی، ۱۳۹۱: ۶۷). همچنین اینگونه نیز تحلیل شده که هرگاه پزشکی با هدف جلوگیری از سرایت بیماری واگیردار، شخص را در قرنطینه نگهداری کند از موانع انتساب فعل زیانبار به پزشک است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۲۲). به نظر نگارنده حتی اگر انگیزه ی پزشک انگیزه ی مشروع دیگری غیر از احسان به بیمار باشد، با وجود انگیزه ی مشروع یکی از مصادیق عدم ضمان است. برای نمونه در صورتی که پزشک برای پیشگیری از سرایت بیماری مسری و واگیردار بیمارش در جامعه به وی بگوید که بیماری شما خطرناک و واگیردار است و نکات پزشکی را به وی هشدار دهد و بیمار دچار مشکل اعصاب و روان و یا جنون شود پزشک ضامن نخواهد بود. زیرا انگیزه ی مشروع پزشک برای هشدار به بیمار مبنی بر اهمیت رعایت دستورات پزشکی است بنابراین پزشک ضامن نیست، اما هرگاه انگیزه پزشک نامشروع باشد و یا فراتر از حدود متعارف و مقررات پزشکی اقدام کند، ضامن است. بنابراین هر چند به ظاهر اطلاع دادن پزشک به بیمار منجر به ناراحتی روانی یا دیوانگی بیمار شده اما به

دلیل وجود انگیزه مشروع رابطه سببیت را نمی‌توان برقرار دانست. زیرا ناراحتی روانی بیمار یا دیوانگی او را عرفاً نمی‌توان مستند به رفتار پزشک دانست، بلکه سبب آن ضعف روانی و معنوی بیمار در تحمل واقعیت بیماری است. بنابراین در این مورد انگیزه‌ی مشروع پزشک موجب عدم ضمان وی می‌باشد.

همچنین در رابطه سببیت معیار این است که عرف ضرر وارده را به کسی منتسب کند، بنابراین انگیزه مشروع که متعاقب آن عملی نظیر دفاع مشروع یا احسان صورت گرفته و از روی اتفاق خسارتی به دیگری وارد شده نیز باید از مواردی دانست که رابطه سببیت عرفی وجود ندارد. حتی برخی معتقدند که در جستجوی علت فاعلی ضرر، انگیزه‌ها که همان علت غایی هستند دخالت دارند و این اختلاط باعث می‌شود که رابطه سببیت از یک رابطه مادی، فلسفی و علمی محض فراتر رود و عوامل دیگری از جمله عامل معنوی، انصاف و اخلاق در آن مطرح شود. باید رابطه سببیت را با توجه به عرف و دلایل مربوط به هر موردی جداگانه بررسی کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۷۲/۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۷ تا ۴۶/۵۳).

اگر فعلی مشروع باشد، رابطه سببیتی میان فعل و نتیجه وجود نخواهد داشت. رابطه سببیتی که در منطق حقوقی و بر مبنای عدالت پذیرفتنی نباشد یا پذیرش آن از حیث مصالح اجتماعی وجهی نداشته باشد، کنار گذاشته می‌شود (نجیب حسینی، ۱۳۹۱: ۴۹۳ و ۴۹۴). معیار عرفی سببیت، معیار مناسبی است و وقتی کسی انگیزه مشروع داشته باشد عرف رابطه سببیت را برقرار نمی‌داند. این استدلال در خیلی از فرض‌ها موضوعیت دارد. از طرف دیگر در برخی موارد که انگیزه مشروع در ضمان قهری وجود دارد رابطه سببیت جاری است؛ اما چون انگیزه مشروع توسط قانون حمایت شده، رابطه سببیت برای مطالبه خسارت قابل استناد نمی‌باشد. عرف نیز رابطه سببیت را در برخی از موارد که انگیزه مشروع وجود دارد جاری می‌داند، اما خسارت را قابل مطالبه نمی‌داند. این استدلال عمومیت دارد به ویژه در موردی که کسی با انگیزه مشروع مال دیگری را عمداً تلف کند تا جلوی ضرر بیشتر مالک را بگیرد، نمی‌توان رابطه سببیت را منتفی دانست. همچنین در موردی که کسی با انگیزه دفاع مشروع به دیگری خسارت زده یا او را به قتل رسانده، عرف

نمی‌گوید که مدافع ضرر نزده یا مهاجم را نکشته؛ پس رابطه سببیت وجود دارد، اما انگیزه مشروع مدافع با رعایت حدود قانونی رافع ضمان قهری است. هرچند می‌توان به قاعده اقدام نیز استناد نمود که مهاجم خودش بر علیه خود اقدام کرده؛ با این حال دادگاه با بررسی وجود انگیزه مشروع و رعایت شروط آن حکم به سقوط ضمان قهری می‌دهد.

در موردی که سبب اقوای از مباشر، مباشر ضامن نیست نیز می‌توان به مشروعیت انگیزه مباشر استناد نمود، البته غیر از مواردی که مباشر فاقد قصد است. برای مثال هرگاه قاضی به استناد شهادت دروغ شهود، حکمی صادر کند، چون انگیزه قاضی مشروع بوده، جهل او نسبت به موضوع که بیانگر انگیزه مشروع است رافع ضمان قهری است و رابطه سببیت را باید به شهادت دروغ شهود و ضرر جاری کنیم.

تسبیب در صورتی منجر به ضمان قهری می‌شود که در نظر عرف تجاوز و عدوان باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۶۱)، اما عرف کسی را که با انگیزه احسان اقدام کند متجاوز نمی‌داند. همچنین به استناد ماده ۵۳۶ ق.م.ا اگر دو سبب باعث ایراد خسارت شود و یکی از اسباب با مجوز قانونی و مشروع باشد، آن سبب مقصر نیست و سبب نامشروع ضامن است. بنابراین در فرضی که دو سبب وجود داشته باشد و یکی از آنها دارای انگیزه مشروع و دیگری بدون انگیزه یا با انگیزه نامشروع باشند، سببی که انگیزه مشروع داشته ضامن نیست. البته فرض دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که اگر هر دو انگیزه مشروع داشته باشند ولی یکی از آنها بنابه دلایل دیگری مجاز به این کار نبوده برای مثال اصول ایمنی را رعایت نکرده باشد او ضامن است.

۲. تأثیر مشروعیت انگیزه در رفع ضمان قهری

در تحلیل انگیزه مشروع با دو موضوع نزدیک به هم مواجه می‌شویم یکی احسان و دیگری انگیزه مشروع در فرضی که داخل در عنوان احسان قرار نگیرد. به دلیل ارتباط نزدیک بین احسان و انگیزه مشروع و برای شفاف شدن بحث، بهتر است این دو موضوع در دو قالب مجزا و به تفکیک مورد تحلیل قرار گیرد. بنابراین ابتدا تأثیر انگیزه احسان در رفع ضمان قهری و پس از آن تأثیر انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. تأثیر انگیزه احسان در رفع ضمان قهری

۲-۱-۱. تأثیر انگیزه احسان به طور عام در رفع ضمان قهری

طبق نظر برخی از فقهای امامیه قاعده احسان از مسقطات ضمان است (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۵/۲؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۹۲/۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۳ و ۹/۴ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۳: ۳۰/۷ و ۳۱ و ۳۲). بر مبنای آیه کریمه «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه/۹۱)، خداوند هر راه را که موجب ضرر نیکوکاران شود ممنوع کرده و هرگونه ملامت و ندامت بر آنها را نفی نموده و با حکم آیه «هل جزاء الاحسن الا الاحسان» (الرحمن/۶۰) هیچ ضمان و عرامتی بر عهده نیکوکار نیست (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۹۲/۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۳ و ۹/۴ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۳: ۳۰/۷ و ۳۱ و ۳۲). زیرا ضامن دانستن محسن موجب ضرر و زیان محسن است در حالی که ضرر و زیان به محسن نفی شده است (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۵/۲). اگر احسان انجام شد باید بهتر از آن یا حداقل مطابق همان احسان با محسن برخورد شود و ضامن دانستن محسن خلاف آیه قرآن است (هوشمند و همکاران: ۱۳۹۹: ۲۹۰). در تعریف احسان باید بر این نظر صحه گذاشت که احسان کار مشروعی است که برای جلب منفعت یا دفع ضرر از دیگران انجام شود (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۶/۲ و ۴۷۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۶/۴). بنابراین احسان موجب سقوط ضمان قهری است، برای مثال شخصی که با انگیزه احسان نسبت به خاموش کردن آتش خانه دیگری اقدام می کند و از روی اتفاق خسارتی به مالک وارد می شود ضامن نیست.

در مورد اینکه یک اقدامی به مصلحت مردم هست یا نیست و مصادیق آن چگونه است در فقه امامیه اختلاف نظر وجود دارد. صاحب جواهر بحث کرده اند که برخی معتقدند اگر کسی در مسیر مردم حفاری کند به نحوی که به نفع مسلمین باشد چون جایز است و اذن امام از ولایت مالک بر مالش برتری دارد، اقدام کننده مسئولیتی ندارد. نظر دیگر اینکه اگر مفسده نداشته باشد جایز است زیرا آنچه شارع اجازه داده عاری بودن از هرگونه مفسده و زشتی است، پس اگر مفسده ای در آن باشد ضمان باقی است (ر.ک به صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۳/۲ و ۱۰۳) و در

صورت ایراد خسارت به دیگران رافع ضمان نیست. در تحلیل این بحث از یک نگاه می‌توان این‌گونه بررسی نمود که وقتی کاری مصلحت است که مفسده‌ای نداشته باشد، یعنی اگر کسی گودالی در مسیر مردم حفر کند چون احتمال دارد کسی در آن بیفتد این به مصلحت نیست، حتی اگر یک نفر در آن بیفتد و صدمه ببیند بیانگر این است که کندن آن جایز نبوده و حفر کننده ضامن است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن شرایط می‌توان گفت که در خیلی از موارد اقدامی به مصلحت مسلمین هست ولی ممکن است بخشی از حقوق مردم تضییع شده یا احتمال ورود ضرر وجود داشته باشد. برای مثال برای احداث خیابان ناچار به خاک برداری و ایجاد گودال هستیم، پس ممکن است منجر به ضرر کسی شود. اما این اشکال را با معیار رعایت حدود متعارف می‌توان حل کرد؛ بر این اساس هر کسی قصد دارد در مسیر عبور مردم کاری به مصلحت مردم انجام دهد باید اقدامات متعارف برای جلوگیری از ضرر رسیدن به مردم را نیز فراهم نماید. همچنین برای احراز انگیزه احسان و اینکه آیا انجام چنین کاری به مصلحت مسلمین هست یا خیر باید به عرف مراجعه کنیم. عرف از ضررهای قابل اغماض چشم پوشی می‌کند؛ عرف می‌پذیرد اقتضای جدول‌گذاری و آسفالت، ناهموار شدن کوچه و محدودیت تردد برای چندین روز است، ولی این محدودیت‌ها، انگیزه احسان محسن و مصلحت بودن را از بین نمی‌برد. در این راستا ماده ۵۰۹ ق.م.ا. بر این استدلال صحه می‌گذارد و برای تشخیص مصلحت مردم، معیار را مقررات قانونی و نکات ایمنی دانسته که اگر رعایت شود و از روی اتفاق به کسی خسارتی وارد شود مرتکب ضامن نخواهد بود.

حال سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا محسن حتماً باید انگیزه احسان هم داشته باشد یا انگیزه احسان ضرورتی ندارد؟ در پاسخ سه فرض و نظریه قابل تصور است:

فرض اول: صرف انگیزه احسان برای اینکه شخص محسن شناخته شود کافی است و ضرورتی ندارد که فعل او با واقعیت منطبق باشد. بر این مبنا اگر کسی حیوان گم شده‌ای را با انگیزه برگرداندن آن به صاحب مال بگیرد ولی آن را اشتباهی به کسی تحویل دهد که مالک نبوده ضامن نیست (خامنه‌ای، ۱۴۱۵: ۲/۳۹۲).

فرض دوم: انگیزه احسان هیچ جایگاهی ندارد، فقط فعل شخص باید منطبق با واقعیت باشد. اعتقاد اشخاص در مفاهیم اشیاء دخالتی ندارد و فقط آنچه واقع شده مهم است. بنابراین اعتقاد به احسان و قصد احسان را لازم ندانسته و معتقدند حتی اگر شخصی بدون انگیزه احسان، رفتاری مرتکب شود که این رفتار عادتاً از ضرر جلوگیری می کند یا منجر به جلب منفعت برای دیگری می شود شخص مشمول قاعده احسان بوده و اگر خسارتی وارد شود ضامن نیست (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱/۳۴ و ۳۵؛ زراعت، ۱۳۹۰: ۱۳۷). بررسی این موضوع نیز اهمیت دارد که اگر مرتکب با انگیزه نامشروع به دیگری خسارت بزند، اما ورود این خسارت به نفع صاحب مال شود، آیا رافع مسئولیت است یا خیر؟ برای مثال مرتکب با انگیزه انتقام جویی چرخ های خودروی کسی را بترکاند، متعاقب آن دزدی قصد سرقت آن خودرو را نماید، ولی سارق به دلیل ترکیدگی چرخ های خودرو موفق به سرقت نشود، آیا می توان شخصی که چرخ های خودرو را ترکانده اما نتیجه کار او منجر به پیشگیری از سرقت شده را محسن شناخت؟ برخی معتقدند که عناوین و مفاهیم واقعی، موضوع حکم شرعی هستند و همیشه باید احسان واقعی را ملاک قرار داد، حتی اگر فاعل قصد ضرر زدن به مالک را داشته باشد (زراعت، ۱۳۹۰: ۱۳۷). مطابق این نظر در هر صورت کسی که باعث رفع ضرر و جلب منفعت دیگری شده حتی اگر انگیزه او نامشروع بوده محسن شناخته می شود. بر همین مبنا مطرح شده که شخص نیکوکار می تواند هزینه هایی که در اثر احسان متحمل شده را حتی اگر با قصد قربت انجام نداده از ذی نفع بگیرد (سروی مجد، ۱۳۹۳: ۲۰۷). در ایراد به این نظر می توان گفت که صرف انطباق با واقع و یا حتی رعایت شرایط به ظاهر قانونی کفایت نمی کند بلکه انگیزه نیز مهم است، برای مثال کار پزشک صرفاً با انگیزه درمان مجاز دانسته می شود ولی اگر انگیزه پزشک انتقام جویی یا انجام آزمایش های علمی بر روی بیمار باشد محسن نیست (نجیب حسنی، ۱۳۹۱: ۶۹). از طرف دیگر انگیزه احسان به عنوان یکی از استثنائات ضمان قهری است و نمی توان آن را به عموم موارد تسری داد؛ مگر اینکه واقعاً انگیزه احسان وجود داشته باشد مثل همان قصه حضرت خضر (ع) که انگیزه ایشان مشروع بود یعنی قایق را سوراخ کرد تا قایق غصب نشود (کشف/ ۷۹). وقتی که کسی انگیزه احسان نداشته را مشمول قاعده احسان نمی آوریم به طریق اولی کسی که انگیزه نامشروع داشته را نباید محسن شناخت.

عرف نیز کار کسی را که انگیزه احسان ندارد ستایش نمی‌کند. همچنین با استناد به حکم عقل نیز می‌توان گفت کسی که انگیزه ضرر زدن داشته حتی اگر عملش از روی اتفاق موجب رفع ضرر بیشتر از زیان دیده شده باشد نمی‌توان کار او را خیر خواهانه و احسان دانست.

فرض سوم: علاوه بر انگیزه احسان، فعل محسن نیز باید با واقعیت منطبق باشد. صرف انگیزه احسان برای سقوط ضمان کافی نیست، بلکه باید جلب منفعت و دفع ضرر دیگری نیز موضوعیت داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۴/۱؛ لطفی، ۱۳۷۹: ۱۴۳ و ۱۴۴). برای مثال اگر کسی حیوان دیگری را بدون اذن او در منزل خود ببندد و شخص دومی با انگیزه رهایی حیوان از دست وی و برگرداندن حیوان به مالک، حیوان را از محل امن رها کند و حیوان توسط درندگان تلف شود، چون حیوان را به محل امنی هدایت نکرده و از آن محافظت ننموده و مجرد انگیزه احسان فایده دنیوی و واقعی ندارد، رافع ضمان اقدام کننده نیست (کرمانشاهی، ۱۴۲۱: ۴۰۵/۱). پس نظر کامل و صحیح تر این است که برای اینکه شخصی مشمول قاعده احسان قرار گیرد هم باید دارای انگیزه احسان باشد، هم کار او با واقعیت مطابقت داشته باشد (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۸/۲؛ یزدی، ۱۴۰۶: ۳۰۶/۲؛ مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۸؛ طاهری، ۱۴۱۸: ۲/۲۶۸ و ۲۶۹). در نظر عرف و عقلا نیز شخصی را که قصد و انگیزه احسان نداشته محسن شناخته نمی‌شود، همچنین شخصی که انگیزه احسان داشته اما رفتار او نامتعارف و غیرایمن بوده ضامن است و محسن تلقی نمی‌شود.

ماده ۵۱۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد:

«هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض، یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست».

بنابراین به درستی و به تبعیت از فقه امامیه (مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۵/۲؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۹۲/۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۹/۴ و ۱۲ و ۱۳؛ مکارم، ۱۳۹۱: ۱۰۷؛ جمعی از پژوهشگران زیرنظر شاهرودی، ۱۴۲۳: ۷/۳۰ و ۳۱ و ۳۲)، انگیزه احسان به عنوان عامل سقوط ضمان قهری پذیرفته شده و در رابطه با فرض‌های پیش گفته نیز قانون فرض سوم را پذیرفته و برای اینکه شخصی محسن

محسوب شود، داشتن انگیزه احسان را شرط دانسته؛ حتی به صراحت از اصطلاح انگیزه استفاده نموده است. پس نظری را پذیرفته که انگیزه احسان وجود داشته و رفتار محسن نیز با واقعیت منطبق باشد. برای تطبیق رفتار محسن با واقعیت دو معیار به دست داده به عبارت دیگر دو محدودیت برای محسن شناخته شدن قائل شده، که شامل رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی است. از مفهوم مخالف این ماده این نتیجه حاصل می‌شود که اگر کسی با انگیزه احسان بدون رعایت مقررات قانونی یا نکات ایمنی رفتار نماید و موجب خسارت شود ضامن است.

آورده اند که هرگاه شخص عاقل و بالغی که در بدنش توموری دارد به دیگری امر کند که تومور را قطع نماید و بیمار بر اثر قطع آن بمیرد مرتکب ضامن دیه نیست (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۵۷۲)، چون محسن بوده و با انگیزه احسان اقدام نموده؛ مگر اینکه قطع کردن آن غالباً کشنده باشد و قطع کننده آن را می‌دانسته در این فرض مرتکب ضامن است و همچنین اگر قطع کردن غالباً کشنده باشد چه مرتکب بداند چه نداند و مریض بمیرد طبق نظر قوی تر مرتکب را ضامن دانسته اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۱/۶۶۹ و ۶۷۰). البته با توجه به پیشرفت علم و ضابطه مند شدن درمان، امروزه کمتر این موضوع مطرح می‌شود، زیرا برای درمان باید پزشک تخصص لازم داشته باشد و شرایط درمان رعایت شود؛ باین حال این فرض در موارد نادر موضوعیت دارد؛ البته نوعاً کشنده بودن رفتار، حتی با مجوز بیمار و انگیزه احسان مرتکب، موجب رفع ضمان نیست.

در اینکه قاعده احسان در اتلاف نیز جاری می‌شود یا خیر اختلاف نظر است. آورده‌اند نظر مشهور فقها این است که قاعده احسان در اتلاف جاری نمی‌شود (کاتوریان، ۱۳۸۶: ۱۶۲). در صورت تعارض قاعده احسان با قاعده اتلاف آیا باید محسن را مشمول قاعده احسان بدانیم و ضمان قهری را رفع کنیم یا به استناد قاعده اتلاف ضامن بدانیم؟ با توجه به اطلاق قاعده احسان و بررسی دقیق موضوع و مصادیق آن به حکم عقل باید در مواردی قاعده احسان را در اتلاف جاری دانست (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱/۳۶ و ۳۷ و ۴۰). در مواردی که محسن عمداً مالی از زیان دیده را تلف کرده اما انگیزه او جلوگیری از ضرر بیشتر یا جلب منفعت برای زیان دیده بوده که در عرف با واقعیت نیز منطبق باشد، قاعده احسان حاکم است. برای مثال هرگاه شخصی برای

پیشگیری از گسترش آتش در زمین کشاورزی دیگری که به وسایل اطفاء حریق دسترسی ندارد، محصولات نزدیک آتش را تلف کند. نمی‌توان به استناد قاعده اتلاف، او را ضامن شناخت و از اجرای قاعده احسان جلوگیری کرد، بلکه بنابر استدلال فوق قاعده احسان حاکم است و محسن ضامن نیست.

گاهی انگیزه شخص، احسان به عموم مسلمین است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۰۲/۴۳؛ گیلانی، بی‌تا: ۳۳؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳/۶۵۴؛ خمینی، بی‌تا: ۵۶۴/۲) که با نام اقدام‌های انسان دوستانه عمومی شناخته می‌شود که ممکن است محسن حتی شخص خاصی را قصد نکرده باشد (یزدی، ۱۴۰۶: ۳۰۶/۲). در فقه امامیه شخصی که انگیزه احسان به عموم نیز داشته باشد، مشمول قاعده احسان قرار می‌گیرد. با این حال آورده‌اند که اگر شخصی چاهی را در مسیر عموم و با انگیزه انتفاع عمومی حفر کند و از روی اتفاق، دیگری در آن بیافتد و فوت کند، در پاسخ مطرح شده که اگر حفر چاه با اذن امام بوده مرتکب ضامن نیست، در غیر اینصورت ضامن است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۶/۷). مشابه این موضوع در ساخت مسجد نیز مطرح شده است (صاحب الجواهر، ۱۴۰۴: ۱۰۳/۴۳ و ۱۰۴). برای این مندرج در هر فرضی که محسن از امام اذن نگرفته و اقدام او از روی اتفاق منجر به خسارتی شده باشد ضامن دانسته شده، که البته قابل تأمل است. اینگونه استدلال شده که امام منفعت و مصلحت مسلمین را تشخیص می‌دهد، به نظر نگارنده می‌توان این نظر را از این جهت پذیرفت که موضوع مهم در آن، بر همان مبنا است که حدودی را برای قابل استناد بودن انگیزه احسان جهت رفع ضمان قهری قائل شده و هر کسی نمی‌تواند با استناد به اینکه انگیزه من احسان بوده خود را ضامن نداند، پس باید معیاری تعیین نمود. این موضوع امروزه با رعایت مقررات که از سوی حکومت وضع می‌گردد و همچنین حدود متعارف و ایمنی در قوانین موضوعه مشهود است. در همین راستا ماده ۵۰۹ ق.م.ا مقرر داشته:

«هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست».

انگیزه خیرخواهانه مرتکب در این ماده نمایان است، هر چند به حق، انگیزه مشروع را به تنهایی کافی ندانسته بلکه باید همراه با رعایت قانون و نکات ایمنی باشد. حکمی مشابه این در ماده ۵۱۴ همان قانون آمده، اگر کسی مانعی را که موجب آسیب است از جای نامناسب بردارد و در راستای مصلحت عابران در جای مناسب‌تری قرار دهد ضامن نیست. بنابراین اگر مانع را در محل نامناسب‌تری قرار دهد ضامن است. پس می‌توان این مبنا را در نظر گرفت که هر گاه کسی با انگیزه احسان‌کاری که در عرف به مصلحت مسلمانان باشد را با رعایت مقررات قانونی و اصول ایمنی آن انجام دهد، محسن محسوب شده و در صورتی که از روی اتفاق خسارتی به دیگری وارد شود ضامن نخواهد بود.

صاحب جواهر فرضی را مطرح نموده که کشتیان برای تعمیر کشتی در حال حرکت در آب اقدام نموده و در هر حالتی که رابطه سببیت برقرار شود کشتیان را ضامن دانسته، حتی اگر تعمیر کشتی بر کشتیان واجب یا به مصلحت مسافران و صاحبان کالا باشد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۱۳/۴۳). اما این فرض را می‌توان تفکیک کرد که اگر کشتیان از ابتدای سفر قوانین و اصول ایمنی و حدود متعارف سلامت کشتی را متناسب با مسافری و بار رعایت نکرده، یا تقصیر کرده و یا در حین مسافرت در کشتی تقصیر کرده ضامن است و در آن بحثی نیست. اما اگر در حین مسافرت در دریا بر اثر حادثه قهری کشتی خسارت ببیند و مصلحت مسافران اقتضاء کند که کشتیان نسبت به تعمیر کشتی در دریا اقدام نمایند، در این فرض تکلیف کشتیان تعمیر کشتی است، باز اگر کشتیان در اقدام به تعمیر تقصیر کرد در این حالت نیز ضامن است، اما در صورتی که تقصیر نکند و تمام تلاش خود را با رعایت اصول ایمنی و مقررات قانونی با انگیزه حفظ سلامتی مسافران و اموال آنها بکارگیرد، به نظر می‌رسد باید او را مشمول قاعده احسان دانست. زیرا ضرورت تعمیر کشتی در دریا ناشی از تقصیر یا اقدام عمدی کشتیان نبوده و کشتیان به عنوان محسن اقدام کرده و تقصیر نیز نکرده، پس نمی‌توان او را ضامن دانست. همچنین می‌توان گفت رابطه سببیت به کشتیان مرتبط نیست و باید خسارت را ناشی از قوه قهریه دانست.

همچنین در فرضی که شخصی بیماری واگیرداری دارد نکات ایمنی و احتیاطات لازم را رعایت نکند و اقدام به انجام عملی خیرخواهانه نظیر اهدای خون نماید، در صورتی که به بیماری خود آگاهی داشته باشد، انگیزه احسان او رافع مسئولیت مدنی وی نخواهد بود و مطابق ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی ضامن خواهد بود (یزدانیان و ثقفی، ۱۳۹۳: ۴۴). بر این نظر نیز باید صحه گذاشت زیرا صرف انگیزه احسان رافع مسئولیت محسن نمی‌باشد و محسن باید موارد ایمنی و مقررات قانونی را نیز رعایت کند.

در دفاع مشروع از دیگری که شخص، در مقابل مهاجم از او دفاع می‌کند، چون مدافع دارای انگیزه احسان است، اگر به مهاجم خسارتی وارد شد ضامن نیست (خمینی، بی‌تا: ۱/ ۴۸۷؛ شوشتری، ۱۴۲۷: ۵۸/۲ و ۵۸). البته باید شرایط تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا مانند اینکه شخص ناتوان از دفاع بوده فراهم باشد. همچنین، در فرضی که شخصی برای حفاظت از دیگری اقدام نماید اما خسارتی به وی وارد شود در صورتی که محسن مقررات قانونی و ایمنی را رعایت کرده باشد ضامن نیست.

در بحث اضطرار نیز کسی که با انگیزه احسان برای دفع ضرر از دیگری به او خسارتی وارد می‌کند به موجب قاعده احسان ضامن نیست. همینطور است در موردی که محسن برای دفع ضرر از شخصی به شخص دیگری خسارت وارد می‌کند، چون انگیزه احسان داشته نمی‌توان محسن را ضامن دانست و متضرر باید خسارت را از کسی که از این ضرر متضرر شده تحت عنوان استیفا کننده بلاجهت مطالبه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۸). برای مثال اگر کسی برای نجات شخصی که آتش به او سرایت کرده از پتوی دیگری استفاده کند محسن ضامن نیست. همچنین کسی که با انگیزه احسان برای دفع ضرر از جامعه خسارتی به دیگری وارد کند محسن بوده و ضامن نیست، قانون نیز باید از کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند حمایت کند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۸ و ۳۲۹). به نظر می‌رسد اگر برای دفع ضرر از جامعه خسارتی به کسی وارد شود می‌توان قائل به این شد که متضرر بتواند آن را از بیت المال مطالبه نماید. برای مثال اگر کسی برای جلوگیری از پیشروی

دشمن مزرعه دیگری را آتش بزند محسن شناخته شده و ضامن نیست؛ اما چون زیان وارده در راستای منافع عمومی بوده زیان دیده می‌تواند آن را از بیت المال مطالبه کند.

پزشک در معالجه محسن است اما ضامن نیز می‌باشد؛ ماده ۴۹۵ ق.م.ا. پزشک را ضامن ديه دانسته مگر اینکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا براءت اخذ نموده و تقصیر نکرده باشد. ماده ۵۱۰ همان قانون نیز محسن را در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن ندانسته است. بنابراین اصل بر ضمان قهری است ولی با اثبات رعایت شرایط قانونی، موازین فنی و ایمنی و انگیزه احسان، ضمان قهری مرتفع می‌شود. در فرض شک نسبت به اینکه آیا محسن ضامن است یا نه، باید ضمان قهری را جاری دانست.

۲-۱-۲. تأثیر انگیزه احسان تأدیبی در رفع ضمان قهری

سوال این است که هرگاه تأدیب کننده با انگیزه تأدیب، اقدام کند و خسارتی به کودک وارد شود آیا انگیزه او تأثیری در رفع ضمان قهری دارد یا خیر؟ تأدیب و تربیت نیز احسان شناخته شده (شیرازی، ۱۴۲۹: ۳/۳۴۷)، هرگاه تأدیب کننده، با انگیزه تأدیب به شخص خسارت وارد کند باید قاعده احسان را جاری دانست. البته برای تربیت ابتدا باید از طرقی غیر از تنبیه و ضرب، اقدام نمود و در آخرین مرحله، آن هم با رعایت شرایط تأدیب می‌توان شخص را تنبیه کرد (شیرازی، ۱۴۲۹: ۳/۴۲۵).

در مورد انگیزه تأدیب و ضمان قهری سوال شده که اگر شوهری زنش را و پدر یا جد پدری فرزندش را، با انگیزه تأدیب تنبیه کند اما اتفاقاً منجر به فوت شود، آیا ديه برعهده مرتکب قرار می‌گیرد یا خیر؟ برخی از فقها آورده‌اند که تأدیب زن و فرزند همانند تعزیرات حاکم شرع است و ديه ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۷۹)، اما نظر غالب این است که چون تأدیب مشروط به سالم ماندن آنهاست قتل شبه عمد بوده و باید ديه پردازد و مجوز شرعی تأدیب، منافاتی با ضمان ندارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۱/۶۶۹؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳/۵۷۲، اصفهانی، بی‌تا: ۶۷؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۴/۲۸۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۶۵) و در صورت فوت و نقص تنبیه شونده، ضامن است (خمينی، بی‌تا: ۵۶۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۳/۴۴ و ۴۵). حتی صاحب جواهر آن را به عنوان یک اصل در نظر گرفته و در مواردی نظیر انجام معالجه توسط پزشک، اشاره کرده که ضمان قهری با اجازه

منافاتی ندارد، همانطوری که اولیای بچه اجازه تأدیبات دارند اما اگر منتهی به فوت یا نقص شود ضامن هستند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۴/۴۳ و ۴۵ و ۱۰۶). بنابراین فقها انگیزه تأدیبات را مهم دانسته‌اند، ولی حدودی برای آن قائلند و صرف انگیزه تأدیبات را رافع ضمان قهری نمی‌دانند. کتک زدن برای انتقام جویی مجاز نیست، هرچند طبق شرایط قانونی باشد، مگر اینکه کتک زدن با انگیزه تأدیبات انجام شود (نجیب حسینی، ۱۳۹۱: ۶۸ و ۶۹). ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مقرر داشته: «ابوین حتی تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیبات، تنبیه نمایند».

بنابراین انگیزه احسان تأدیباتی رافع ضمان قهری است، ولی باید حدود تأدیبات را رعایت کرد در غیر این صورت ضامن است. بند ۱ ماده ۱۵۸ ق.م.ا اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیبات یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه در حد متعارف و حدود شرعی تأدیبات و محافظت باشد را قابل مجازات ندانسته است. بنابراین انگیزه احسان تأدیباتی به میزان متعارف و حدود شرعی محدود شده؛ برای مثال سرپرست صغیر نمی‌تواند حتی با انگیزه تأدیبات، صغیر را بیش از حد متعارف و شرعی تنبیه نماید. همچنین، اقدام باید به منظور تأدیبات یا محافظت باشد، مطابق مفهوم مخالف این ماده اگر با انگیزه انتقام جویی اقدام کند حتی با رعایت حدود متعارف و شرعی نیز ضامن است. زیرا انگیزه احسان تأدیباتی می‌تواند رافع ضمان باشد و انگیزه نامشروع، رافع ضمان نیست. گاهی ابوین یا سرپرستان صغار در اثر خستگی ناشی از کار و امثال آن، حتی با رفتارهای متعارف فرزندان عصبانی شده و آنها را تنبیه می‌کنند؛ در حالی که در این موارد مرتکب فاقد انگیزه تأدیبات بوده و رفتار او مشمول احسان تأدیباتی نمی‌شود. بنابراین تنها مواردی انگیزه مشروع تأدیبات وجود دارد که ابوین برای متنبه کردن فرزند، او را تنبیه کنند تا فرزند از تکرار رفتار اشتباه خود پرهیز کند.

۲-۲. تأثیر انگیزه مشروع در رفع ضمان قهری

به طور کلی در عوامل رافع ضمان قهری، نظیر احسان و دفاع مشروع، انگیزه مشروع مرتکب نهفته است. با این حال انگیزه مشروع یک موضوعی کلی و جدای از سایر مصادیق نام برده می‌باشد. زیرا برای نمونه در احسان، شخص محسن قصد خیرخواهی و احسان به زیان دیده

را دارد و در دفاع مشروع حتما باید دفاع برای حفظ جان و مال و غیره و با رعایت شرایط قانونی آن باشد تا در قالب دفاع مطرح شود. اما انگیزه‌ی مشروع یک عنوان کلی است و هر مصداقی از مشروعیت انگیزه را در بر می‌گیرد که در بررسی تخصصی این موضوع، بهتر است دقیق تفکیک شود. البته می‌توان برای تحلیل مناسب از قواعد و مصادیق ارائه شده سایر عناوین نیز استفاده نمود و به دلیل مشترک بودن ملاک آن، در مواردی وحدت ملاک گرفت.

هر امری که به موجب قانون باشد و مجری قانون آن را اجرا کند باید حمل بر انگیزه مشروع مجری آن نمود. بنابراین قاضی که حکمی را صادر می‌کند، انگیزه او اجرای قانون شمرده شده و مشروع تلقی می‌شود، همینطور مأمور اجرای حکم و امثال آن. این موضوع ذیل ویژگی‌های ضرر بررسی می‌شود که ضرر وارده باید نامشروع باشد و چنین ضررهایی مشروع تلقی می‌شود؛ اما از زاویه دیگر نیز می‌توان به آن نگاه کرد و آن همان انگیزه مشروع است که رافع ضمان قهری است و باید اصل بر این گذاشت که انگیزه‌ی مجری قانون مشروع است. البته در این موارد نیز محدودیت‌هایی وجود دارد و نمی‌توان تقصیر در اجرای قانون را صرفاً با انگیزه مشروع رافع ضمان دانست. برای مثال آورده‌اند که صرف توجه به انگیزه مشروع قاضی معیار تشخیص تقصیر قاضی نیست، حتی قاضی در صورت بی‌مبالایی و اتخاذ تصمیمات شتاب زده یا دخالت دادن انگیزه‌های اخلاقی خود در پرونده و امثال آن نیز مسئول است (کاتوریان، ۱۳۸۶: ۳۷۰).

در مواردی که قانون مجوز وارد کردن ضرر به دیگری را داده در راستای اجرای اهدافی نظیر متنبه شدن مجرم، جبران خسارت ذی نفع، عدالت و امثال آن انگیزه مشروع در آن نهفته است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. در موردی که مأمور اجرای احکام به دستور قاضی اجرای احکام به عنوان قاعده‌ای کلی با انگیزه‌ی مشروع در راستای احقاق حق محکوم له اقدامی قانونی علیه محکوم علیه انجام دهد که خود خسارتی به محکوم علیه است مسئولیت جبران خسارت ندارد. نمونه جالب توجه دیگر مستند به ماده ۵۵ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ کشورمان می‌باشد. این ماده قانونی در مورد عدم مسئولیت متصدی باربری و کشتی است. در قسمت «ل» بند ۲ این ماده یکی از موارد عدم مسئولیت متصدی باربری «نجات و مجاهدت برای نجات جان افراد و یا اموال در دریا» نام برده شده است. به نظر نگارنده مطابق این ماده هرگاه متصدی باربری با انگیزه

مشروع نجات جان و مال دیگران رفتاری مرتکب شود که به اموال در کشتی، خسارت وارد شود ضامن نمی‌باشد. هرچند به صراحت در این قانون انگیزه مشروع را نیاورده اما مشخص است که قانونگذار انگیزه مشروع شخص برای نجات جان و مال دیگران را موجب رفع ضمان در فرض ورود خسارت به اموال تحویلی دانسته است.

از بدیهی ترین مواردی که انگیزه مشروع در ضمان قهری تأثیر دارد دفاع مشروع است. بر هر شخصی واجب است در حد توانایی از جان و مال و زن و فرزندان خود در برابر مهاجم دفاع کند، حتی دفاع از دیگران نیز توصیه شده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۶۵۰/۴۱؛ خمینی، بی تا: ۴۸۷/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۲۷۷/۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۶۴ و ۲۶۵). برای دفاع مشروع باید ابتدا از آسانترین روش استفاده کرد و در مراحل دفاع، باید از روش‌های آسان‌تر به آسان و سپس به مشکل و مشکل‌تر روی آورد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۶۵۱/۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۱/۳؛ خمینی، بی تا: ۴۸۸/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۲۷۸/۴). در قوانین مدونه نیز دفاع مشروع مورد تصریح قرار گرفته؛ بر این اساس در صورتی که شخص در مقام دفاع و با رعایت شرایط قانونی، دفاع نماید و به مهاجم خسارتی وارد شود ضامن نیست. ممکن است حیوانی که در مالکیت دیگری است نیز مهاجم باشد که به طریق اولی دفاع مشروع در مقابل حیوان نیز رافع ضمان قهری است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۲/۳؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۳۰/۴۳؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۲۸۱/۴). ماده ۳۳۰ ق.م.تلف یا ناقص کردن حیوان غیر را در مقام دفاع موجب ضمان قهری ندانسته و ماده ۱۵ ق.م.م. نیز دفاع مشروعی را که منجر به خسارت بدنی یا مالی به شخص متعدی شود موجب ضمان قهری ندانسته است. مطابق ماده ۱۵۶ ق.م.ا نیز دفاع مشروع از مسقطات مجازات و دیه است (ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۱۳). البته دفاعی رافع ضمان قهری است که شرایط آن نظیر تناسب با حمله مهاجم و متعارف بودن رعایت شود. به عنوان قاعده کلی اصل بر مسئولیت کیفری و ضمان قهری مدافع است و در فرض عدم اثبات شرایط دفاع مشروع، مرتکب ضامن است.

یکی از اساتید حقوق مطرح کرده‌اند که اسرار بیمار نزد پزشک امانت است و تکالیف ناشی از آن به عنوان چهره ویژه‌ای از تقصیر، ضمان آور است. ایشان پاسخ به این مسأله را آسان

ندانسته‌اند که آیا پزشک در همه حال موظف به حفظ اسرار بیمار است یا این تعهد محدود به رعایت سلامتی دیگران و مصالح عمومی نیز می‌باشد؟ آیا پزشکی که بیمارش مبتلا به ایدز است باید به فکر حفظ اسرار بیمار باشد یا سلامتی همسر وی؟ روانکاوای که بیمارشان قصد کشتن کسی را دارد آیا مجاز به افشاء این راز است یا خیر؟ ایشان در جستجوی معیاری برای این موضوع و رهایی از این دو دلی توصیه نموده‌اند که پاسخ آزمایشها و سایر مدارک پزشکی به خود بیمار داده شود تا دور از دسترس دیگران و مقام‌های عمومی باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۶۲/۲ و ۱۶۳). این توصیه به عنوان قاعده‌ای کلی محترم است، اما به نظر نگارنده واقعیت این است که در فرض‌های مطرح شده به ویژه قصد بیمار مبنی بر کشتن شخص، باید دنبال معیار دیگری بود و این توصیه راهگشا نیست. به نظر می‌رسد باید سلامت دیگران و مصلحت عمومی را مهم‌تر دانست و انگیزه پزشک را نیز بر همین معیار جستجو کرد. پزشکی که با انگیزه حفظ سلامتی همسر بیمار و حفظ جان دیگران، اسرار بیمار را فاش کند، به دلیل داشتن انگیزه مشروع ضامن نیست؛ البته پزشک باید حدود افشاء راز را رعایت کند و فقط به کسانی که عرفاً و قانوناً ضرورت دارد اطلاع دهد و فقط در موارد استثنائی اقدام نماید. در غیر اینصورت حتی منجر به بی‌اعتمادی به کادر پزشکی شده و عواقب ناخوشایندی خواهد داشت. بنابراین در هر موردی که پزشک با انگیزه مشروع و رعایت حدود آن اسرار بیمار را فاش کند ضامن نیست. این ارجحیت در برخی از فتاوی مراجع تقلید نیز (برای نمونه رک. لنکرانی، بی تا: ۵۶ و ۵۵) قابل ملاحظه است.

گاهی شخص برای پیشگیری از ورود ضرر به دیگری به حکم عقل و با انگیزه مشروع و در حدود عرف اقدام می‌کند، با این حال کار او منجر به ضرر شخص ثالثی می‌شود، در این حالت با وجود اینکه انگیزه مرتکب مشروع بوده ولی چون هیچ شخص دیگری در این موضوع مقصر نبوده و رابطه سببیت نیز برقرار است باید ضمان قهری را جاری است. با عنایت به اینکه در این فرض خسارتی به دیگری وارد شده باید اصل جبران خسارت را جاری دانست و بر مبنای این اصل حکم داد. بنابراین در این مورد انگیزه مشروع مرتکب، رافع ضمان قهری نیست. برای مثال اگر کسی در حین رانندگی متوجه شود ترمز خودرواش از کار افتاده و با انگیزه تصادف نکردن با مردم، خودرو را به سمت دیگری هدایت کند و به خانه شخصی خسارت وارد کند مکلف به

جبران خسارت است، هر چند انگیزه او مشروع بوده است. البته اگر کسی با انگیزه نامشروع در ترمز راننده دست کاری کند و در نتیجه آن خسارتی وارد شود راننده مسئول نخواهد بود بلکه کسی که ترمز را دست کاری کرده ضامن است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۴ و ۳۲۵).

همچنین به نظر می‌رسد در برخی از فرض‌هایی که تحقق ضرر ناشی از اضطراب است، می‌توان از شرایط رافع ضمان بودن انگیزه مشروع وحدت ملاک گرفت و در موردی که انگیزه مرتکب مشروع باشد جاری دانست. برای مثال هرگاه شخصی در حالت اضطراب برای پیشگیری از سرایت آتش به خانه‌های دیگران، خانه یا مزرعه کسی را خراب کند و در این فرض نتوان کسی را مسئول ایجاد اضطراب شمرد، باید کسی را که برای حفظ اموال آنها به آن خانه خسارت وارد شده به عنوان استیفا کننده‌ی بدون جهت ضامن شمرد و حتی در صورتی که او هم توان جبران خسارت نداشته باشد نباید مرتکب را ضامن دانست. زیرا نمی‌توان شخصی که قصد نیکی کردن داشته را ضامن دانست و قانون نیز باید از کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند و سرنوشت خود را با دیگران مربوط می‌دانند حمایت کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۳۴ و ۳۳۵). به نظر نگارنده از همین موضوع می‌توان در انگیزه مشروع نیز وحدت ملاک گرفت و با چنین وحدت ملاکی به عنوان قاعده‌ای کلی انگیزه مشروع شخص را رافع ضمان دانست.

هرگاه شخص مقید به اجرای احکام شرعی، در راستای اجرای امری که شارع اجازه داده اقدام نماید و بر اثر آن خسارتی وارد شود، انگیزه مشروع وی قابل بررسی است. سوال این است که آیا در چنین موردی جواز شرعی و وجود انگیزه مشروع مبنی بر کاری که جواز شرعی دارد بر اساس قاعده "الجواز الشرعی ینافی الضمان"، رافع ضمان است یا اینکه برعکس به موجب قاعده "الجواز الشرعی لا ینافی الضمان"، شخص ضامن می‌باشد؟

در فقه گاه با صراحت، جواز شرعی رافع ضمان دانسته شده است (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۵۸ و ۵۷/۱؛ کاشانی، ۱۴۰۸: ۴۵؛ خمینی، بی تا: ۵۶۵/۲). البته به نظر نگارنده در صورتی که شخص تعدی و تفریط نکرده باشد و یا تعدی در کار نباشد می‌توان اذن شرعی را رافع ضمان دانست، بنابراین صرف وجود اذن شرعی رافع ضمان نیست. اما در مقابل، برخی از فقها آورده‌اند که جواز شرعی یا حتی وجوب شرعی رافع ضمان نیست (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۱۸/۲۲؛ مراغی، ۱۴۱۷:

۱/ ۳۳۵؛ جمعی از مؤلفان، بی تا: ۵-۶/ ۱۳۸) مطابق این نظر مجوز شرعی انجام یک کاری یا وجوب شرعی آن، هیچکدام ارتباطی با ساقط شدن ضمان قهری در فرض تحقق ضرر ندارد. بنابراین در صورت بروز خسارت، مرتکب باید جبران خسارت نماید و نمی تواند به استناد وجوب شرعی عمل خود یا جواز شرعی رفتارش، جبران خسارت نکند. این گونه نیز استدلال شده که میزان جواز شرعی تا جایی است که خسارت یا صدمه ای ایجاد نکند و الا شخص ضامن است (عاملی، ۱۴۲۷: ۵۵۱/۹ و ۵۵۲؛ جمعی از مؤلفان، بی تا: ۴۸/۳۵). برای مثال در تأدیب، جواز شرعی تأدیب مشروط به سلامت است، که می توان آن را تحت عنوان حدود تأدیب مطرح کرد. حتی اگر انگیزه شخص تأدیب باشد و برای تأدیب اقدام نماید و به صورت اتفاقی طرف مقابل فوت شود نمی توان جواز شرعی تأدیب را رافع ضمان وی دانست. علاوه بر این هرگاه شخصی کاری که مجوز شرعی دارد را با انگیزه مشروع انجام دهد و تصور کند به صرف اینکه مجوز شرعی دارد حتی در صورت بروز خسارت ضامن نیست. رافع ضمان وی نمی باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۴۴/۲). همچنین برای سقوط ضمان باید آن عمل مشروع و با اذن حاکم باشد (ر.ک صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۱۰۳/۴۳؛ خمینی، بی تا: ۵۶۵/۲)، که امروزه تجلی اذن حاکم در مقررات قانونی است. در صورتی که به حاکم دسترسی نباشد با استناد به قاعده عدول مومنان و پس از آن با توجه به اینکه عموم مومنان موظف به انجام امور حسبی هستند، عمل شخص دارای مجوز شرعی تلقی شده و ضمان ساقط می شود (حائری، بی تا: ۵۳۹/۲؛ یردی، ۱۴۰۶: ۳۰۷/۲). برخی از فقها در مباحث خود، اذن شرعی را به احسان نیز مرتبط می دانند (سروادی، ۱۴۱۳: ۳۱۴/۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۵). به نظر نگارنده می توان این گونه توضیح داد در مواردی که مصداق عملی جواز شرعی به مصلحت شخص است، نقش جواز شرعی لاینافی الضمان پررنگ تر به نظر می رسد. برای مثال هرگاه شخصی در حالت اضطرار و برای حفظ جان خود خسارتی به مال دیگری بزند ضامن بوده و جواز شرعی را رافع ضمان وی نمی دانیم؛ هر چند در برخی موارد اذن شرعی ضمان را نفی می کند مانند دفاع مشروع از خود با رعایت حدود آن؛ اما در مواردی نیز مصداق عملی جواز شرعی برای رعایت مصلحت دیگران است. نظیر دفاع مشروع از دیگری یا اقدام به امری برای مصلحت عابرین، که در این موارد نقش جواز شرعی ینافی الضمان بیشتر

مشهود است و به نوعی آن را به قاعده احسان نزدیک می‌کند. در هر حال می‌توان گفت که هرگاه شخص انگیزه مشروع داشته باشد و حدود جواز شرعی را رعایت نماید می‌توان به جواز شرعی ینافی الضمان استناد نمود. اما به طور کلی جواز شرعی حتی با داشتن انگیزه مشروع رافع ضمان نیست و به موجب قاعده "الجواز الشرعی لاینافی الضمان" در صورتی که مرتکب تقصیر داشته باشد موجب ضمان است و صرف انگیزه مشروع رافع ضمان مرتکب محسوب نمی‌گردد. حقیقت این است که "الجواز الشرعی ینافی الضمان" قاعده اولی است و هیچ کس در اجرای حق خودش ضامن نیست و مسئولیت مدنی ندارد.^۱ با این همه اگر شخص در اجرای حق خود به دیگری ضرر غیر متعارف وارد نماید، با حکومت قاعده لاضرر بر احکام موسس جواز و حق، این احکام رفع می‌گردند و جواز شرعی و حق ذی حق مرتفع می‌شوند و اینجاست که به طور استثنایی جواز شرعی دیگر رافع ضمان نیست و می‌توان گفت: "الجواز الشرعی لاینافی الضمان". در حقوق غربی قاعده سوء استفاده از حق^۲ نقش قاعده لاضرر را در این زمینه بازی می‌کند (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۳: ۱۳۵؛ کریمی و شعبانی ۱۳۹۳: ۲۰۷).

نتیجه گیری

در فقه امامیه و حقوق ایران اصل بر مسئولیت بدون تقصیر بوده و به طور کلی انگیزه در تحقق ضمان قهری نقشی ندارد. با این حال انگیزه مشروع در ضمان قهری موثر است و هرگاه کسی به دیگری ضرر بزند اما دارای انگیزه مشروع باشد انگیزه مشروع او سبب رفع ضمان قهری است. البته محدودیت‌هایی برای استناد به مشروعیت انگیزه جهت رفع ضمان قهری وارد شده که شامل رعایت مقررات قانونی، موازین فنی، اصول ایمنی و رعایت حدود متعارف و عدم تقصیر می‌باشد. از مصادیق بارز تأثیر انگیزه مشروع، احسان اعم از احسان به عموم، احسان به شخص معین و احسان تأدیبی است. در مورد ضرورت وجود انگیزه احسان اختلاف نظر وجود دارد و سه فرض قابل تصور است یکی صرف وجود انگیزه احسان را کافی بدانیم، دوم اینکه فقط به انطباق

^۱ - همان که در حقوق غرب در قالب عبارت زیر آمده:

"Nul nest tenu dans l'exercice de son droit"

^۲ - Abus de droit

رفتار با واقعیت توجه کنیم حتی بدون انگیزه احسان و اما فرض سوم اینکه هم انگیزه احسان لازم است هم انطباق عمل با واقعیت؛ در پایان این نتیجه حاصل شد که نظر سوم صحیح تر بوده و با حقوق ما نیز سازگارتر است. بنابراین شخصی که با انگیزه احسان به دیگری اقدام می نماید اما از روی اتفاق خسارتی وارد می شود ضامن نیست، مگر در صورتی که احسان او با واقعیت منطبق نبوده یا در تنبیه خارج از حدود تأدیب تنبیه نماید. همچنین هر کجا انگیزه مشروع باشد به ویژه در دفاع مشروع، انگیزه سبب رفع ضمان قهری است، ولی در این حالت نیز باید شرایط دفاع مشروع رعایت شود. علاوه بر این با وحدت ملاک گرفتن از مصادیق احسان و دفاع مشروع که از بارزترین مصادیق انگیزه مشروع می باشند، می توان قواعد آنها را به عنوان قاعده ای کلی در تمام مواردی که انگیزه مرتکب، مشروع باشد جاری دانست حتی اگر در قالب دفاع مشروع و احسان قرار نگیرد. در صورت تردید نسبت به اینکه آیا شخص، محسن محسوب می شود یا ضامن است و اینکه آیا دفاع مشروع همه شرایط آن را داشته یا ضمان قهری جاری است، باید با جاری ساختن اصل عدم و فرض عدم وجود احسان و یا عدم وجود شرایط دفاع مشروع، ضمان قهری را جاری دانست. همچنین به موجب قاعده "الجواز الشرعی لاینافی الضمان"، صرف وجود انگیزه مشروع رافع ضمان نیست و مرتکب در صورت تقصیر ضامن است. هر چند "الجواز الشرعی ینافی الضمان" قاعده اولی است و هیچ کس در اجرای حق خودش ضامن نیست، اما در صورت ایراد ضرر غیرمتعارف، قاعده لاضرر بر جواز شرعی حکومت کرده و به طور استثنایی جواز شرعی دیگر رافع ضمان نیست و "الجواز الشرعی لاینافی الضمان" جاری می شود.

کتاب شناسی:

قرآن کریم

۱. اصفهانی (مجلسی دوم) محمدباقر بن محمدتقی، **حدود و قصاص و دیات**، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی، بی تا.
۲. امامی، سیدحسن، **حقوق مدنی**، ج ۱، ج ۳۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۳. بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ موسوی، **القواعد الفقهیه**، ج ۴ و ۲، ج ۱، قم: نشر الهادی. ۱۴۱۹ ق.

۴. بجنوردی، سیدمحمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه، ج ۱، ۳، تهران: عروج، ۱۴۰۱ ق.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۲۲، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.
۶. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سیدمحمود هاشمی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ج ۷، ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۳ ق.
۷. جمعی از مؤلفان، مجلة فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربية)، ج ۵-۶ و ۳۵، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، بی تا.
۸. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل (ط - القديمة)، ج ۲، ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بی تا.
۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، ۱، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. خمینی (امام خمینی) سیدروح الله موسوی، المكاسب المحرمة، ج ۲، ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. همو، تحریر الوسیلة، ج ۲ و ۱، ج ۱، قم: دارالعلم، بی تا.
۱۳. زراعت، عباس، «انگیزه و تأثیر آن در مسئولیت کیفری»، ماهنامه دادرسی، شماره ۴۸، سال هشتم، بهمن و اسفند ۱۳۸۳ ش.
۱۴. همو، قواعد فقه مدنی، ج ۱، تهران: جنگل، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. سبزواری، سید عبدالأعلی، مهذب الأحکام، ج ۲، ۴، قم: المنار، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. سروی مجد، علی، «ابعاد فرهنگ احسان در قرآن و سنت»، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۲۵، ۱۹۷-۲۱۶، بهار ۱۳۹۳ ش.
۱۷. شوشتری، سیدمحمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، ج ۲، ۲، تهران: میزان، ۱۴۲۷ ق.
۱۸. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۳، ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، ۱۴۲۹ ق.
۱۹. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ج ۲، ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۷، ۳، تهران: المکتبه المرتضویة لاجیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. عاملی (شهید اول) محمد بن مکی، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیة، ج ۱، بیروت-لبنان دار التراث - الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. همو، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ج ۴، ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. عاملی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. عاملی، سیدمحمد حسین ترحینی، الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۹، ۴، قم: دار الفقه للطباعة و النشر، ۱۴۲۷ ق.
۲۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، تهران: میلاد، ۱۳۹۱ ش.

۲۶. کاتوزیان، ناصر، **الزامهای خارج از قرارداد**، ج ۱، ج ۱۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ ش.
۲۷. همو، **الزامهای خارج از قرارداد**، ج ۲، ج ۱۰، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ ش.
۲۸. همو، **الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استیفا**، ج ۷، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. کریمی، عباس، «مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و فرانسه در خصوص حق موضوع سوء استفاده در حقوق قراردادها»، **فصلنامه حقوق مدنی تطبیقی**، ج ۶، تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳ ش.
۳۱. کاشانی، حاج آقا رضامدنی، **کتاب الدیات**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. کرمانشاهی، آقا محمدعلی بن وحید بهبهانی، **مقام الفضل**، ج ۱، ج ۱، قم: مؤسسه علامه بهبهانی، ۱۴۲۱ ق.
۳۳. گیلانی، نجفی، میرزا حبیب الله رشتی، **کتاب النصب**، بی جا، بی تا.
۳۴. لطفی، جواد، «قاعده احسان و اسباب اصلی ضمان»، **فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی**، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۳۵. لطفی، اسداله، **موجبات و مستقات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران**، ج ۱، تهران: مجد، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. لنگرانی، محمدفاضل موحدی، **احکام پزشکان و بیماران**، بی جا، بی تا.
۳۷. محمدی، آریتا، «بررسی و تحلیل قاعده احسان و نقش مسئولیت مدنی در این قاعده»، **دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی**، دوره اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۳۸. مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی، **التناوین الفقهیه**، ج ۱ و ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. مصطفوی، سید محمد کاظم، **مائة قاعدة فقهیه**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ ق.
۴۰. مطهری، شهید مرتضی، **فقه و حقوق (مجموعه آثار)**، ج ۲۰، ج ۱، قم: بی جا، بی تا.
۴۱. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، **مجموعه نظریات مشورتی فقهی امور کیفری**، ج ۴، تهران: جنگل، ۱۳۸۹ ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۸، ج ۳۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ ش.
۴۳. نجفی (صاحب الجواهر) محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۳۷، ۴۱ و ۴۲، ج ۷، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. نجفی (کاشف الغطاء) محمد حسین بن علی بن محمد رضا، **تحریر المجله**، ج ۱، ج ۱، نجف اشرف: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۹ ق.
۴۵. نجیب حسینی، محمود، **رابطه سببیت در حقوق کیفری**، م. عباس نیای زارع سید علی، ج ۳، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ ش.
۴۶. نصوری، مزدک، «قاعده احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت»، **دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی**، سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۱۲، آبان ۱۳۹۷ ش.

۴۷. هوشمند فیروزآبادی، حسین؛ خزائی، میثم؛ جاور، حسین و امرائی، ایوب، «تحلیل فقهی حقوقی برخی اسباب معافیت از مسئولیت مدنی در قرآن» **آموزه های فقه مدنی**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره دوازدهم، شماره ۲۱، بهار-تابستان ۱۳۹۹ ش.

۴۸. یزدانیان، علیرضا و ثقفی، مریم، «مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری های واگیردار»، **آموزه های فقه مدنی**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، پاییز-زمستان ۱۳۹۳ ش.

۴۹. یزدی (محقق داماد) سیدمصطفی، **قواعد فقه**، ج ۲، چ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

نسخه پیش از انتشار